گفتاری از محمدعلی سپانلو

كتاب مساله اي احتماعي است

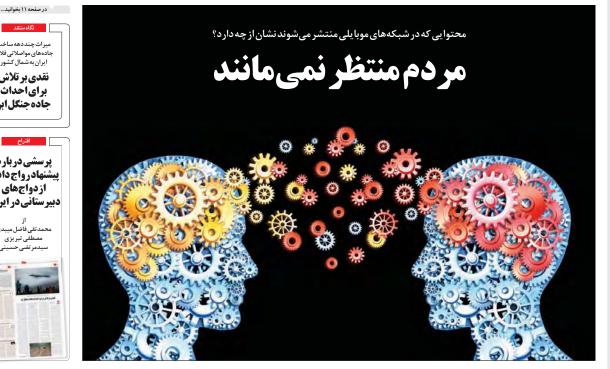
گاهی به گذشته فکر می کنم و گاهی به آینده اما ایر اعتقادوجوددارد که حال، اهمیت بیشتری دارد در احوال!

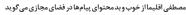
بااین وجُودُ حالُم در حالَ، خیلی خوب نیستُ در بَهترین شرایط به لحاظ جسمی وضعیتی متوسط است...

۱۲ در صفحه ۱۲ بخوانید...

ميراث چند دهه ساخت جاده های مواصلاتی فلات ايران به شمال كشور

نقدىبر تلاش براىاحداث جادهجنگلابر





بايدبهشعور مردماعتمادكنيم

طرح نـو - امير توحيـد فاضـل | دانش ارتباطـات هر روز درحال توسـعه و به روز شدن بوده و سرعت این پیشرفتها به اندازهای است که درک آن گاهی مقدور و ممکن نیست. هنوز افــرادی در جامعه ما هســتند و به یــاد دارند کــه در دورهای داشتن راديو ٢ موج، بعدها دستگاه فكس و حتــی ویدیو ممنــوع بود، پــس طبیعی اســت که نتواند فضای امــروز را که در آن یک سام در کسے ی از ثانیے در کل جہان پخش می شود، باور کرد. افرادی که روزی برای برقراری کوچکتریـن ارتباط با افراد خانــواده خــود مجبــور به مســافر تهاًی چند ساعته بودند، امروز با ارسال یک پیامک از حال ُهمدیگر با خبر میشـوند. ". توسعه سُختافزار و نرمافزارهای ار تباطی تاثیــرات بســیاری را در جوامــع مختلف بر جاًی گذاشته و یک نمونه از آن را می توان در محتوای پیامهایی دانس این روزها در تلفنهای همــراه، تبلتها و كامپيوترهاي افسراد جامعه بهويژه نسسل جوان به صــورت لحظه به لحظــه جابهجا می شوند. محتوای ایس پیام ها محور گفتوگوی «شهروند» با مصطفی اقلیما، استاد دانشگاه و جامعهشناس است...

در گذشته نه چندان دور، یعنی تا یک دهه قبل راههای ار تباطی در میان افراد یک جامعه محدود بود و حتی در کلاسهای روزنامه نگاری و علیوم ار تباطات تنها به چند شیوه اطلاع رسانی اشاره می کردند. اما امروز با توسعه دانش بشر شاهد انتقال یله دســتگاهِهای پیشرفتهای پیام به وسـ هستیم که نمونه های آن را می تبوان در نوسـعه اینترنت، تلفنهمــراه، ماهــواره، ن بر مافزار ها و شــبکههایی چون فیسبوک، ـتاگرام، توییتر و وایبر مشاهد حال این پرُسـشُ مطُرح میشَــود که آیادر دنیای امــروز راههای ار تباطی بیــن افراد با گذشــته چه تفاوتهایی پیدا کرده است؟ در دورهای انتقال پیام از طریق گفت، گوی چهره به چهره بود. با پیشرفتُ بشر و دستیایی به دانش خط و پس از آن اختراع دستگاههای چاپ، کتاب و رسانههاى مكتوب بهعنوان وسيله ارتباطى مطرح شدند. این بیش فتها ادامه داشت تا بش توانست از طریق اختراع وراه اندازی رادیو و تلویزیون پیامها

•می گوییــدمحــدودشــدن آزادیهـاو را بهصــورت گستردهتری در یــک جامعه پخش دسترسی نداشتن مردم به رسانه های آزاد ر . کند که این کار نیـــز محدودیتهایی داشت تا در ب شـده که به این سمت حرکت کنند. دوران امروز و با پیشرفتهای علمی ما به اینترنت این امر شاید در جوامع غیــر آزاد مصادق و ماهواره دستر سے داریج. امروزہ بے ای انتقال داشــته و صحيح باشـِـد، اما ما مى بينيم كه یامهاُی فردی از ابزارهایسی چون تلفن استفاده در کشورهایی که آزادیهای بیشتری کر ده و پیامهای کلے را هم به وسیله رسانههای داشته و فعالیت رسانه ها و حتی رسُمی مانند شبکههای ماهــوارُ مای، سایتهای ماهوارهای در آن جا بهطور مطلق آزاد است، خبری، رسانه های مکتــوب و شبکه های مجازی استفاده از وسایل ار تباطی نوین بیشتر بوده ، رون ر منتقــل می کنیم. طبیعــی است که بــا توسعه وخود آنهااین ابزار را تولید کرده اند. بنابراین تکنولوژی دیگر ابزار اطلاع رسانسی و انتقال پیام گر دیدگاهشــمارا قبول داشته باشیم، باید مانند گذشته نیست و حتی می توان گفت که این ابزارها به ازای تکتک انسانها وجـود دارد. زیرا

بررده به روی مستده از وسائلی انسانها با استفاده از وسائلی که نام بردید بهصورت لحظه به لحظه می توانند نظرات و . دیدگاههای خودحتی اگر شخصی باشد را هم برای همه

۔ •دانشمندانومخترعان _زرگ معتقدنــد کــه هر اختـراع یا حتی کشــفی یکی از نیازهای بشیر را بــر آورده کرده اســت. به . رکرد عبارتی اگر دانشمندی سالها برای کشف نيزرسانهها، آزادی کامل ندارند یک پدیدہ یا اختراع دستگاهی تلاش میکند، میخواهـد خلأیـی را برطرف کـرده و نیـازی را

بـرآورده كنــد. بــا وجود بهرهمندی از ابزاری چون تلفن و رسانههای جمعی، چه نیازی بود که انسیان ها به سمت استفاده از وسایل ارتباطی نوین رفته و این ابزارهارااختراع ومورداستفاده قرار دادند؟ وقتى رسانه هاى رسمى وبه عبارت بهتر رسانه هاى بنته نتوانستندنیا: انسان هاه ما دم یک جامعه، ا برآورده کُرده و بیشتر تبدیل به ابزاری برای انتقالُ پیام از بالاً به پایین جامعه شدند، طبیعی است که افراد آن جامعه به دنبال یافتن رامهایی باشند که پیام خود را به دیگران منتقل کنند. به همین دلیل است که می بینیم با محدود شدن آزادی ها وجَلُوكيري از انتقال اخبار و پيامُها، افراد بهُ ،

ستفاده از فیس بوک و ... رفته و با عضویت در

شبكههای مجازی یا استفاده از ابزارهای ارتباطی

جدید برای رساندن پیام خــود به دیگران تلاش

بپذیریــم کــه اســتفاده از ابزارهایی چون توییتر، فیسبوک، وایبر و ... در کشورهای آزاد نباید کاربردی داشته باشد، زیرا در ایس جوامع رسانهها از آزادیهای بسیاری این کهبگوییمبرخیاز کشورها آزادی کامل دارند، هر گز صحیحنید بسیاری از کشورهای آروپایی و آمریکایی رادیده و در آنجا

عضور داشته ام. در این کشور ها

برخــوردار بوده و اساســا نبایــد مــردم آن جامعــه نیازی به وسایل ار تباطی جایگزین داشــته باشند. کشور ها آزادی کامل دارند، هرگــز صحيح نيســ بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکایسی را دیسده و در . انجا حضور داشتــهام. در این کشورها نیز رسانههــا آزادی

وهر کداماز آنهابه جریانی خاصوابستهبودهونظرات آن جریان راپوششمی دهند کامل ندارند و هر کدام از آنها به جریانی خاص وابسته بوده و نظرات آن جریان را پوشش میدهند دلیل در این کشورها نیز مسردم به دنبال رامهایی ، كه بــدون محدوديت حرف خــود را به

دیگران انتقال دهند دنیای امروز، جهان انتخاب دیگــر دورانی که مردم مُجَبــور به انتخاب یک ، سانه و یک شبکه تلویز بونی باشند، گذشته نُ. شایداً این سوال را مطّرح کنید که در چنین شرایطی باید چه کُنیم؟ مــا راهی به غیر پُذیرش ایــن ابزارهانداریــم و دیگر نمی توانیــم انسان را محدود کُنیم. به عنوانُ نمونه با پیشر فت تکنولوژی نا چندسال دیگر، کسی برای خرید کتاب کاغذی اقدام نمی کند زیرا هر فرد با دسترسی به اینترنت مى تواندېھترين كتابھارادر كمترين زمان دانلود و مطألعه كند. پس شايد در يك دهه أينده حتى ۔ جیزی بهعنــوان کتابخانههای امــروزی نداشته

• شمااین نظرات را در حالی بیان می کنید که بسیاری از نهادهای رسمی با اشاره به خــی آســیبهای اجتماعی موجــود، بر ــرورت کنترل بیشــتر به ویــژه در حوزه وسایلنوینار تباطی تاکیدمی کنند ^و

دنیای امروز دیگر دنیای کنترل نیست. اساسا نمى توان وسُايُل ار تباطى نوين را كنترل و محدود کرد. در دورهای ویدیوممنوع بود. آیاامروز می توان ر مرز کرر کاری ایر بن ممنوعیت را اعمال کرد. آیا ممنوع بودن " ماهواره در کشور عملی شــده است؟ در شرایطی که نمی تــُوان مُاهوارهها را بهطــور کامُل مُمنوع کرد، چگونه می توان بر محتوای پیامک های افراد

•این شرایط مثبت است؟

۔ بحــث مثبت یــامنفی بــودن یک پدیــده د . شرایط فعلی مطرح نیست. چرا کـه اساسا راهــی بــرای پرهیــز از ایــن شرایــط نداریـــج. ، یعنی نمی توانیہ با تحلیک علمی و کارشناسی به این سوال پاست دهیم که آیا شرایط امروز به سـمت درستی حرکت مي کند؟

ے مــن کلیــت موضـوع را مثبــت و مفی میدانم. ببینید امروز هر فُرد می تواند آنچه میخواهد و دوست دارد را با استفاده از این ابزارها منتشر کرده و دیگران نیز به همین میزان حق دارند کے این مطلب را دریافت و مطالعه و تماشا كرده يا أن را حذَّف كنند. این پدیده فینفسه مثبت است، چرا که موجب رشد آگاهی انسان ها می شود. دانش امروز بشرراه تحقق اهداف متعالى انسان بهعنوان موجــودی کــه دارای عقل و شعور بــوده، آزاد ست و می تواند آزادانه انتخساب کند، رًا فراهُم ت. پُس نُمي توانيم بگوييم وسايلي كه موجب پیشرفت و تعالی بشر شده، مذموم و

ومگ مے شود یک بدیدہاجتماعہ کی همه جوامع یک کارکرد داشته باشد؟ به عنوان نمونه این پدیده هم در پیشر فته ترین کشور اثر مثبت داشته و هم در عقب مانده ترین جوامع آفريقايي.

دنيامثبت است.به طُور قطع وقتى جامُعه اى دانش استفاده از ایسن وسایل را دارد، بــه حدی از درک رسیده که بتواند از این وسایــل برای تعالی خود استفاده کند.

اقتراح **پرسشی درباره** ييشنهادرواجدادن ازدواجهاي

> محمدتقى فأضل ميبدى مصطفى تبريزي

دبیرستانی در ایران



بادداشت

رسانههایی که توی جیب جامی شوند

کرامت دانش یور کارشناس ارشد جامعه شناسی

دوست دارند، دستبهدست می کنند؛ عاشقانهها را، عارفانهها را، اخلاقیات را، مسلکـهای زیستن را واجتماعیات را انگار جامعیه ایرانی هم مثل جوامع دیگر نسل در نسل به انتظار نشسته بود که . ابزاری پیدا شود بسرای رساندن پیامی به دیگری. خوی اجتماعی انسان ایسن را ایجاب می کند که با دیگری معنا شود و به این ترتیب حالا که دیگر هر کسی یک رسانه آنلاین در دستش دارد یعنی اجتماعي گري انسان هي به حداعلاي خودر سيده است. مردم این جامعه حالا دیگر هر یک در دست خودرسانه ای دارند که برای داشتنش نه نیازی به ر ر ر کرد. داشتن مجوزی از فلان وزار تخانه هست و نه نیازی به ممیزی و خط خوردگی و ... آنهار سانه و جادوی آن را خُوبُ شناخته اُند و همین آگاهی از ابزار و امکانات است که آنها را به خودآگاهی اجتماعی نزدیک می کند. ودآگاهی؛ این همان عنصر مغفولی است که

متفکران نامداری را دهه ها در طول عمرشان، به خودمعطوف داشته چرا که اساسا کمترین کارکرد اشراف و وقوف بر خود، این است که انسان زیر بار هر چیزی کـه «بود و بـاش» او را تحدید می کند هر چیزی نده ابود و پیاس او را باخدید می نند نمسی رود ر رسانه های شخصیی و آزادی که امروز دیگر به مدد تکنولوژی های بر تر جهانی در اختیار شهروندان است، آنها را به مرزهای شناختی تازه از حیات اجتماعی شان رسانده است. بی تردید حالا دیگر اغلب افراد جامعهٔ ایرانسی هم، روزی را شب نمی کنند بی آن که محتوایی کـه در شبکههای ميكنند بي أنكه محتوايي ری مریالیی منتشر می شود را تخوانسده باشند. خواه این محتوا یک پیام اخلاقی باشد و خواه یک طنز اجتماعی باسیاسی بدین اعتبار شهروندان جامعه ایرانی هسر روز و هر لحظه مخاطب رسانه هایی د که در دست همنوعــان دیگرشان است این همنوعان البته ممکن است هریک از طبقات یں ۱۰۰۰ رسی ۱۰۰۰ مختلف اجتماعی باشندو به ایس سبب، نوعی تضارب افکار طبقاتی در جامعه شکل گرفته است. مثلاًیکشهروندطبقه مُتوسط،مخاطبُرسانهای یک شهرونـدطبقه کارگر میشـودو یک فرداز ... گار رسید طبقه روستایی ممکن است مخاطب شهروندی از طبقه سرمایه دار شهود. این تفسارب اگر چه ممکن است واجد آسیب هایی از قبیل گسترش تضادها باشد اما در عین حال موجب می شود که شهروندان از حال یکدیگر با خبر شوند و چهبسا

مردم ایران هم حالا دیگر خودشان آنچه را که در همان فضای حیرتانگیز شبکه موبایلی،امکان مراسی های در سامیر می در انجاز های زیستی ههاندیشی، اتحادوباز تعریف هنجارهای زیستی را پیدا کنند، دامامهه ترین مسألهای که درباره شبکههای موبایلی و محتویات منتشر شده در آنها مى توان اشاره كرد اين است كه اين شبكه ها ر ر...ی ر عرصه نظم نمادین، واقعیتهای رسمی و پوشش سخت و سلب فضاهای از پیشش تعریف شده را بر هم زده است. به معنای بهتر یک محتوای به اشتراک گذاشته شده وایسری، در لحظه انتشار واجدٌ معنایی فراتر از معنـای خویْش است. این ی ر ر ری صوب این محتوا بست این محتوا مرجد این ر ری محتوا مر جمعی خواهد باشد - نظمی را بر آشفته می کند که طی سال ها سیاست گذاران اجتماعی کوشیده این اقدام می در این از تحکیم و تعمیق کنند. این اقدام شاید در لحظه و معنای ُ نخستین اش مسبب ایجاد فضای تضاد در عرصیه عینیت اجتماعی بهاداندگی بینایی و شنوایی لازم است که گرداندگان و کنترل کنندگان مجراهای رسمی را به این فهم تکامل یافته برساند که شهروندانی ر. که فی النفسه خواهان امنیت و آرامشاند، سری نه هی انتصاح خواهان اممیت و ارامساند، سری بر آن ندارند که این هر دو عنصر - خواست قلبی خودشان - را بر آشوبند آنها تنهااز رهگذر اعتراض است اگر، مجرای رسمی ای که آنان را نمی شناسد ونمى فهمد، خوش نمى دارند وبـــه أن اعتراض

ں۔۔۔۔ شهروندان دیدہانددھلیزھای رسمی اج چنان فروبسته و غیر گشودهاند که محتوای . دلخواه شهروندان را جایی در انها نیست، تکاپوافتادهاند تا خود برای خود محتوایی تولید و

برد نتشر کنند که می پسندند. شبکه های موبایا هی امکانی حیرت انگیز را سبحهای موریسی منطق میروندان گذارده است. امکان داشتن پیش پای شهروندان گذارده است. امکان داشتن رسانهای که توی جیب جامی شود و هر شهروند می تواند با اندک تکابویی – مطالعه، وب گردی و راههای دیگر افزایش معلومات عمومی – و نشر این معلومات در قالبهای مختلف در رسا شخُصی اش، بادهها، صدها و هزاران شهروند دیگر ارتباط برقسرار کرده و آنها را مخاطب خود کند ین امکان حیر تانگیز که متاسفانه برای اصحاب ین ساده کار سیاستهای نهادهای رسمی سبب ساز اتخاذ سیاستهای کنترلی شده، کاش همانقدر باعث تغییر نگاه به مولفُههای اجتماعی می شد تا جامعه ایرانی به همافزایی درباورهاوعرفیات برسد.